

پلخمون

قیمت: قبلاً حساب شده:

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا | شماره ۹۹
شماره روزنامه ۴۱۷۵ | شنبه / ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

فرزانه فصیحی و حسن تفتیان (رکوردداران آسیا):

به دلیل چک نکردن ایمیل توسط فدراسیون، مسابقات جهانی را از دست دادیم



چطور در
چهارشنبه سوزی
نمیریم

کلیک / صفحه ۸

سلامتی سه تن... اونی
که پیاده نشد اصلاً

گیر کن / صفحه ۵

نقض
حریم خصوصی ریشا

ماژولاق / صفحه ۲

جشن تولد آب گوشتی

چند روز پیشا به مرد چهل و پنج ساله که هوس آب گوشت کرده بود و دلش لک زده بود برای نون توی کاسه تیلیت کردن، دست به اقدامی زد که هشت قربانی گرفت! البته قربانی های مدنظر گوسفند بودن. بله، دقیقا خود گوسفند. نامبرده برای جشن تولدش به یکی از روستاهای اطراف مشهد می ره و با به پراید هشت تا گوسفند رو می دزده و اونا رو ذبح می کنه و برای تولدش آب گوشت بار می زاره.

شما فکرش رو می کردین که به روزی پراید چنین قابلیتی داشته باشه که بتونه هشت تابعی روی یک جاتوی خودش جابده؟ باز از پراید ایراد بگیرین! البته این مرد بخت برگشته آرزوی خوردن آب گوشت باز هم به دلش موند و در حالی که شب تولدش آب گوشت آماده بود و مهمونا در حال حرکات موزون بودن و قابلمه آب گوشت روی گاز تا برای فردا آماده بشه و پونزده کیلو گوشت هم داخل فریزر بود، بهوبی پلیس به داخل خونه می آد و فقط با باز کردن در فریزر و دیدن قابلمه آب گوشت که روی گاز بود، دستگیرش می کنن.

دست کم می داشتین بنده خدا بعد از این همه تلاش یه کاسه آب گوشت بایپاز می خورد، بعد می بردینش خب. الان این مرد اون قدر تشنه آب گوشته که بعید نیست بعد از آزاد شدنش برای خوردن آب گوشت دست به اقدام پیش بینی نشده دیگه ای بزنه.

خلاصه یا تولد نگیرین، یا اگه می گیرین، کاری نکنین یهو وسطش این جواری سورپرایز بشین. یه لقمه نون و پنیر هم باشه، خوبه. لازم نیست گوشت کبابی بدین. قسمت جالب ماجرا اینجاست که آقا دزده توی کار خیر هم بوده و گفته حالا که ما داریم یه گوشت کبابی و آب گوشت می خوریم، خب بذاریم چار نفر دیگه هم یه چیزی بخورن و یه بخشی از گوشتا رو خیرات کرده! البته باز این از نیت خیر دزده نبوده، گوشتا داشته خراب می شده، جا هم نداشته، مجبور شده بده بره. پس نتیجه می گیریم قبل از دزدیدن گوسفندان و داشتن این همه گوشت، از داشتن فضای کافی در فریزر خود اطمینان حاصل فرمایید.



صفحه ۲
۱۹ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۹۹

نقض حریم خصوصی ریشا



این نگهداری حیوانات هم واقعا داستان خودش را دارد. حیوان بی ملاحظه است و مسئولان دل سوز باغ وحش باید جواب بی عقلی حیوانات را بدهند. چند روز پیش یک ببر یازده ساله در باغ وحش مشهد مرد و دوباره موجی از انتقادات بی پایه و اساس به سمت مسئولان باغ وحش روانه شد.

منتقدان! کمی انصاف داشته باشید. اگر این به اصطلاح ببر به علت گرسنگی یا گرم و سرد بودن محل زندگی اش تلف می شد، حق باشما بود، اما ببر به گفته «معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست خراسان رضوی» به دلیل گیر کردن غذا در گلویش فوت شده است. حالا باز اگر بر یکی دوساله بود، می گفتیم عقلش نمی کشد و وظیفه مسئولان باغ وحش بوده است که برایش لقمه بگیرند، اما این ببر یازده سال عمر داشته است و ببری به این سن اگر عقلش نمی کشیده که حرص نزنند و آرام آرام غذا بخورد، تقصیر خودش است. علاوه بر خود ببر، دیگر مقصر، دیگر ببرهای داخل قفس بوده اند که وقتی دیده اند این ببر بی خرد غذا در گلویش گیر کرده است، کمی آب به او نداده اند و چند تا پشتش نزده اند که شاید غذا از حلقش بیرون آید و تلف نشود.

چندی پیش تر هم عکسی از ریشا، به اصطلاح شیر باغ وحش مشهد، منتشر شد که نامبرده بسیار لاغر و نحیف بود و همین موضوع باعث شد کلی انتقاد ناجوانمردانه به مسئولان باغ وحش شود. چند روز پیش دام پزشک باغ وحش توضیحاتی در این باره داد که مشخص شد این مشکلات جسمانی ریشا تقصیر خودش است. این دام پزشک سه علت را احتمال بیماری ریشا دانست و درباره یکی از موارد گفت: «مورد دیگر نیز قرار داشتن در فصل خاص جفت گیری گربه سانان است که ریشا نیز در هر روز بیست بار و گاهی تا سی مرتبه جفت گیری می کند که نسبت به هم نوعان خود کمی بیش از حد می باشد.»

خب اگر این شیر تحلیل نادرستی از توانایی هایش داشته است، مسئولان باغ وحش مقصر هستند؟ تنها انتقاد به مسئولان باغ وحش این است که چرا برای حریم خصوصی ریشا احترام قائل نیستید؟ از کجا متوجه شدید آن کار را بیست مرتبه و گاهی سی مرتبه انجام می داده است؟ یعنی یک نفر بیست و چهار ساعت ریشا را زیر نظر داشته و به شمارش می پرداخته است؟ این کارتان واقعا درست نیست!

لُغ تو رُخ

منصوره احمدی

امضای تفاهم نامه بین سازمان ملی مهاجرت و جهاد دانشگاهی کشور



۱ بادقت همه جا رو گشتین؟ مطمئنی جوون تحصیل کرده دیگه ای نمونده که مهاجرت نکرده باشه؟ زیر کمد؟ پشت آب چگون؟ توی کابینتا؟ پشت اشکاف؟ همه جا رو خوب گشتین؟

۲ بله قربان، خیالتون راحت.

غیبت شمار زیادی از نمایندگان که رای نیاورده اند در اولین جلسه مجلس پس از انتخابات و لغو جلسه



۱ می رین با بولی تون می این که غیبتتون رو موجه کنن.

۳ دروغ می گه آقا هفته ای سه بار فقط بابا بزرگش مرحوم می شه.

۵ خیابونا که خشکه، به چیزی بگو لااقل بگنجه!

۶ آقا اجازه! ما نماینده اولی ایم، دفتر چند بزرگ برداریم؟ چند تا زنگ تفریح داریم؟

۴ خدا شاهد بهمن شده بود، ما زیر برقا موندیم، نتونستیم بیایم قربان.

۲ به جان خودم بابا بزرگم اون روز فوت شد.

حضور رئیس سازمان محیط زیست در جمع خبرنگاران



وزیر صمت: از شنیدن کلمه واردات خودرودست دوم کپیر می زنم!

چه توضیحی درباره مرگ ببر باغ وحش مشهد دارین قربان؟

۲ از شنیدن اسم ببر و یوزی لنگ و شیر و دریاچه و مازوت و هارپ و کلا چیز میزای محیط زیستی بدتم کپیر زده. الانم بد می خارم. دارم می رم عرق کاسنی بگیرم. بذارین برای بعد.

حضور رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش، در مراسم جشنواره ملی کتاب رشد



وزیر آموزش و پرورش: اگر دبیرم را پانزده سالگی و لیسانس را هجده سالگی بدیم، کشور شکوهمندتری خواهیم داشت.

ولی رضا فکر کن اگه نوزاد از دانشگاه صاف می رفت دانشگاه، قشنگ توی چار سالگی لیسانس می گرفت، وارد بازار کار می شد... اوووف، عجب آینده شکوهمندی... ای ول همین خوبه، همین رو می گم.

چطور به تو رأی ندادن؟

هفت صبح: شلیک به قیمت طلا با حراج ربع سکه
باغچه: مردم: ولی چون نشونه گیری شون یه کم ضعیفه، بیشتر شلیکا به خود ما می خوره!

ایرنا: ایرج ملکی از رسیدن به مجلس بازماند
باغچه: حالا سؤال اینکه که چطور به تو رأی ندادن؟

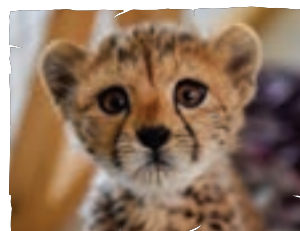


ایرنا: رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم: کشور در بخش تغییر اقلیم دچار بی برنامه گی است
باغچه: وزیر اقتصاد: متأسفم واقعا. کاش یه کم از ما یاد می گرفتند

شهرآرانیوز: دستیار ویژه رئیس سازمان

بورس: به پیشنهاد وزیر اقتصاد، افراد فاقد سهام عدالت با تصویب هیئت دولت سهام دار می شوند
باغچه: یک پیامک: دیدی راست می گم! حالا اینجا روی این لینک ناشناس کلیک کن تا سهام عدالت رو بگیری.

هم میهن: معاون محیط زیست: خوردن یک تکه پلاستیک موجب مرگ پیروز شد
باغچه: مسئول مرتبط: من هم بعد مرگش خواستم استعفا بدم، ولی دیدم یه تیکه پلاستیک ارزش این کاراروندهاره!



عصر ایران: دولت پرسپولیس رابه جای بدهی اش به تأمین اجتماعی داد
باغچه: تأمین به بازیکنان: خلاصه

چون سن بازنشستگی رفته بالا، تا هفتاد سالگی توی ترکیب تیم نگهتون می داریم!

ابران: وام ازدواج هم در ازدواج جوانان تأثیری نداشت
باغچه: یک جوان: آخه مثل اینکه که بگی پروگوشی آیفون پرو مکس بخر، قاب آیفونت بامن!

وزیر راه: هواپیماهای جدیدی وارد کشور شده اند
باغچه: وی افزود: بسته بندی های قشنگی هم داشتند، فقط نمی دانم الان دقایقاتوی کدام اسباب بازی فروشی هستند!

جهان صنعت: صنعت ایران نایبناست
باغچه: پس معلوم شد چرا خودروهایی ساخت صنایع ایران این قدر کم و کسری دارن!

شهرآرا: برگزاری انتخابات هیئت فوتبال خراسان رضوی همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد
باغچه: بهوزاتوی هاله ابهام یه کسی

انتخاب می شه که فوتبال استان رو در مه غلیظ گم و گور می کنه!



تسنیم: کنسرو ماهی ۱۵ درصد ارزان شد
باغچه: یک ماهی تن: ما ماهیا که حافظه مون قد نمی ده، ولی لاک پشتا می گن قبلش ۱۰۰ درصد گرون شدیم!

مهر: تولید موبایل به نام نوکیا در ایران
باغچه: نوکیا: من دیگه پام رو جایی که به گوشه ۳۳۱۰ می گفتم گوشت کوب، نمی دارم!

جمهوری اسلامی: تهرانی ها دو برابر الگو آب مصرف می کنند
باغچه: ولی چون پایتخت نشینن، الگو رو براشون دو برابر بیشتر می کنیم که اذیت نشن!

صفحه ۲
۱۹ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۹۹

در حاشیه صحبت های وزیر صمت مبنی بر کپیر زدن آشنیدن واردات خودرو دست دوم

هیئت وزیران

عبدالعلی نائی وزیر صمت: بهرام جان چطوری؟ آقا بد نم بد کپیر زده. داروی خوب چی داری؟

عبدالحسین بهرامیان الهی وزیر بهداشت: خدا بد نده. چرا کپیر بزنه؟

عباسی راز غفور وزیر ارتباطات: نمی دونم چرا از شنیدن واردات خودرو و شأنی که از مردم ضایع می شه. چون داداش بد نم کپیر زده.

حسین راز غفور وزیر ارتباطات: اخلاص من هم وقتی می فهمم که مردم به سرعت اینترنت اعتراض دارن، همین جوری می شم. اینترنت به این خوبی انمی دونم مردم به چی اعتراض می کنن!

حسین سید الهی وزیر خارجه: من چی بگم از سطح مکالمه انگلیسی وزرای امور خارجه کشورای دیگه. اصلا باهاشون صحبت می کنی، بدنت می ریزه بیرون. بس که ضایعن.

عزت شرفی وزیر کشور: توی وزارتخانه ما چون بهداشت سرویسای بین راهی و گردشگری خرابه، مردم کپیر می زنن. اگه درمان داره، بگین ما توی سرویسامون راه درمان رو بزیم.

دوستان کپیر در تخصص من نیست، برین جای دیگه دکتر

آقا حالا یک بارتوی گروه ازت پرسیدیم، بدون ویزیت بگود یگه. این بهونه ها چیه؟

ویزیت چیه؟! من چشم پزشکم، کپیر بلد نیستم.

یه کم بیشتر درس می خوندی، بقیه جاها رو هم بتونی درمان کنی. 17

رستم امیران سراجی وزیر آموزش و پرورش

باقالی پلور مسی میلیون شمرن، هر پرس ۹۵۰ هزار تومان!

قیمت یک پرس باقالی پلو
زد ز نرخ مرغ و ماهی هم جلو!
گویا هستند ما محتاج ما
با چنین سرعت سوار آپولو!

های چوپان قهرمان مسابقات آرئولر کلاسیک شهر

این بدن از سنگه یاکه آجره؟
شایدیم از آهن و سیمان پره!
من نمی دونم، ولی هرچی که هست
هادی چوپان، ترمیناتور!

رشد مردم در صدی کشف اشیای عتیقه تقلبی در کشور

که گفته ما به حال اضطراریم؟
به رخت یاکه بی رشدی دچاریم
بخوان خود این خبر راتا بفهمی
که این ها شایعه ست و رشد داریم!

برای جبران زیان خودروسازان بزرگ، اموال آن ها در معرض تجدید ارزیابی قرار می گیرد

سه فرمون و دو تالنت و یه دستک
دو تا آگروز، سه تا بوق و دو سیبک
همه دار و ندار ما همین هاست
چرا داری به دارایی ما شک؟

روز نوشت یک خودرو ساز که قرار خودش و محصولاتش را نسته نمی‌شود

روشنه

قرار شد برای خودروهای تولیدی مان چند ویژگی جدید بگذاریم. این ویژگی‌ها در هر مدل متفاوت است تا هر مشتری طبق خواسته و کاربرد خودش، یک محصول ما را انتخاب کند. مثلاً برای داشبورد یکی از ماشین‌ها علاوه بر جای لیوان، جای نعلبکی هم تعبیه کنیم. در خودرو مدل دیگرمان هنگامی که شیشه را بالا و پایین می‌کنند، آژیر بگذاریم تا سرنشین با قیقیز متوجه شود شیشه بالا می‌رود و دستش لای آن نماند. در محصول دیگرمان هم گوشه چراغ عقبش را کمی گرد می‌کنیم تا راننده ماشین عقبی لذت ببرد. امیدوارم که مشتریان سخت‌پسندمان را راضی کرده باشیم.

یکشنبه

حالا که قرار است همان پژو پارس به ثبت‌نام‌کنندگان تحویل داده شود، به عنوان رقیب باید یک ترفند بازاریابی بزنیم. تصمیم گرفتم در پاتک به خودروسازهای دیگر، به خط تولید اعلام کنم ما هم خودرو تولیدی مان را ارتقا دهیم و به ثبت‌نام‌کنندگان تحویل دهیم. این طوری هم با رقابت عادلانه بازار را از دست خودروسازهای دیگر درمی‌آوریم، هم به مصرف‌کنندگان عزیز آپشن‌های جدیدتری ارائه می‌دهیم. پس که ما به بازار رقابتی و احترام به مشتری پایبندیم. بزنم به تخته.

شنبه

امروز شنیدم تولید پژو پارس تا مشخص شدن نتایج مرکز آزمون بین‌المللی استاندارد ادامه خواهد داشت. تا حالا چند بار اعلام شده بود که دیگر تولید نمی‌شود، ولی به خیر گذشت. حیف بود این معدن طلا به این زودی درش تخته شود. امیدوارم که بقیه تولیدی‌های ما خودروسازان هم با مساعدت مسئولان به استخراج طلایشان ادامه دهند.

توقف تولید پژو پارس منتفی شد



سه‌شنبه

امور مالی نامه زده است که این تغییرات بنیادی نیاز به بودجه دارد. برخلاف میل قلبی و با نارضایتی کامل مجبور شدم تصمیم بگیرم که همه محصولات راه ۲۰ درصدگران کنیم، متأسفانه البته برای جبران این گرانی، یک امتیاز به خریدار می‌دهیم: اسم خودروهای جدید را عوض می‌کنیم تا حساسی حال کنند.

چهارشنبه

بعضی خبرنگارها نشر اکاذیب کرده اند که خودروهای تولیدی ما قدیمی، غیراستاندارد، پرمصرف، ناایمن و گران است. به روابط عمومی گفتم همه خبرنگارها را جمع کند و از آن‌ها به نحو شایسته‌ای قدردانی کند تا متوجه شوند که اشتباه می‌کنند. در جواب خبرنگارهایی هم که نیامدند و پاکت‌های دعوت نامه ما را قبول نکردند، بیانیه صادر کنیم که خودروهای ما به‌روز هستند و استانداردها را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند و قیمتشان هم در شورای رفاقت تأیید و تصویب شده است.

پنجشنبه

خسته شدم. آخر هفته را باید خوب استراحت کنم تا هفته آینده با انرژی زیاد مشغول خدمت به خلق شوم.

صفحه ۴
۱۹ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۹۹

بوق زدن ممنوع!

فرهنگ شهروندی
ساحل شاکری

هم حرکات موزونی که جدید یاد گرفتن رو به منصفه ظهور می‌گذارند. با توجه به این که زمان وقوع این پیامدهای مراسم، در انتهای مراسم اصلی و پس از صرف شام اتفاق هست، یعنی پاسی از شب، وضعیت از دید بقیه این جواری می‌شه که تعدادی سرخوش به دنبال عروس خیابونا رو با ماشین متر می‌کنن،

از آشنایان و دوستان شروع می‌شه و در ادامه هر صغیر و کبیری که هیچ نسبت نسبی و سببی با عروس و داماد نداره، به این مراسم می‌پیونده و افراد به دنبال ماشین عروس راه می‌افتن و با حرکات مارپیچ و ژانگولر و خطرناک هم آدرنالین خون خودشون رو بالا می‌برن، هم به صنف صافکاری یک سودی می‌رسونن،

اگه اهل عروسی رفتن باشین، با اصطلاح «عروس‌کشون» آشنایی خوب و نزدیکی دارین و حتی ممکنه در این جور مجالس هم شرکت کرده باشین؛ قسمتی از عروسی که گاهی از خود مراسم عروسی در تالار یا حتی بخش دل‌چسب شام هم لذت بخش‌تره. به این صورت که ابتدای این قسمت از مراسم با تعداد محدودی

سلامتی سه تن... او نی که پیاره نشراصل



کارتون: مجید صالحی

روز، راحلی، بنرفلان، زنجان بهمان

زندانی اولی: داداش این کیه؟ چه عینک آفتابی خفنی زده!
دومی: سیسش سوسول می زنه. شاید قاتل زنجیره ای روانی باشه. یا از این هکرمکراست.
اولی: خوش قیافه ست. فکرکنم همون یارو جایی فروشه ست. یا او نی که می گن چندتا دکل نفتی رو غیب کرده. یا رئیس بانکه ست که چند همت قورت داده.
سومی: نمی شناسمش. ولی می گن خیلی معروفه. حتی نگاه کردن بهش هم جرئت می خواد. چون تو فکرکنم خلافش فوق سنگین باشه.
دومی: اوه اوه. داره می آد سمت ما. بچه ها دربریم؟
زندانی چهارمی: آقایون اجازه هست وسایلم رو بذارم روی این تخت؟
اولی: ارادت سالار. بله. بله. از این به بعد تخت شماست.
چهارمی: متشکرم. خوبین شما؟
سومی: به لطف شما. خاک پاییم.
دومی: داداشمون کی باشن؟
چهارمی: بنده مهندس هوشنگ هستم. از بد روزگار گذرم به اینجا افتاده.

دومی: هوشنگ خان خوش اومدی. صفای قدمت. همه جوره در خدمتیم. کاش بگی که جرمت چی بوده تا ارادتمون بهت بیشتر بشه.
چهارمی: راستش یه کم پیچیده و عجیبه.
سومی: مهندس، اینجا همه سنگین وزنن. این داداشمون به اندازه گنجایش یه بیمارستان تیزی کشیده. این یکی آقامون سردسته کیف قاپای شرق و غربه. این یکی عزیز به اندازه انبار کارخونه سامسونگ موبایل قاییده. این داداشمون هم رئیس هرچی زباله گرد واسپند دودکن توی شهره. اون آقایایی که طبقه بالای تخت نشسته هم به اسم پیش فروش آب معدنی، ۲۰ میلیون نفر پول گرفته که متأسفانه لب مرز گرفتنش. من حقیر هم ماشینای پارکینگ ورزشگاه رو بین دو نیمه دربی خالی کردم. ولی هرچی باشیم، خاک پای شما هم نمی شیم.
چهارمی: نظر لطف شماست. ولی واقعیتش من خلاف مهمی نکردم.
اولی: نفرمایین استاد. آوازه شما توی همه زندان پیچیده.
چهارمی: خواهش می کنم. راستش بنده هفته پیش برای سفر کاری بلیت هواپیما گرفته بودم. بعد از ۵۲ ساعت تأخیر بالاخره سوار هواپیما شدیم. هشت ساعتی هم توی هواپیما معطل شدیم تا برسیم به مقصد. بعد که فرود اومدیم، با چند مسافر دیگه به نشانه اعتراض گفتیم تابه مدیر یار رئیس نیاد ازمون عذرخواهی کنه. پیاده نمی شیم. همون جا گرفتیم و فرستادنم اینجا... ای بابا چرا فرار می کنین؟ مگه چی گفتیم!
اولی و دومی و سومی و بقیه: بچه ها فرار کنین. طرف خیلی خلاف سنگینه.

پی نوشت: کاپیتان رضا نخجوانی، معاون وزیر راه و مدیرعامل شرکت فرودگاه ها و ناوبری هوایی ایران، رفتار برخی مسافران در مواقعی چون پیاده نشدن از هواپیما برای اعتراض به تأخیر پرواز، یک جرم مسلم است. می توان ضمن جرم انگاری و فرهنگ سازی موارد این چنینی، از ناهنجاری های مشابه در سایر فرودگاه ها جلوگیری کرد.

۱. کدام گزینه خطرناک ترین پرنده جهان محسوب می شود؟

- ☐ عقاب دم قرمز
- ☐ لا شخور
- ☐ چغک عصبانی
- ☐ هواپیمای داخلی

۲. کدام گزینه خطرناک ترین مجرم جهان محسوب می شود؟

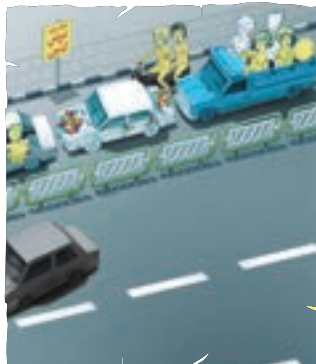
- ☐ ابرید هکاران بانکی
- ☐ مافیای کنکور
- ☐ وعده دهندگان
- ☐ پیاده نشوندگان از هواپیما

۳. به نظر شما دلیل اعتراض های مسافران و پیاده نشدن از هواپیماها چیست؟

- ☐ تأخیر پروازها
- ☐ قیمت بلیت ها
- ☐ بی کیفیت بودن هواپیماها
- ☐ ابعاد مولکولی غذای هواپیما

سؤالات تستی

فراتک آشنایی



برای مردم نمونه. بذارین چارساعت بخوابن. اگه با همچین چیزی آشنایی ندارین، خوش به حالتون. بدون سروصدا و دردسر می رین سر خونه خودتون. ولی خب پنجاه درصد کیف عروسی رو از دست دادین. یه بار شرکت کنین، یک حالی میده که خدا میده.

بیمارستان هست هم نرین. حیوونا هم گناه دارن، می ترسن. کلا جایی نرین، تهش می رین خونه عروس چهار تا قابلمه و سرویس چوب و ... می بینین، اصل داستانم که یخچاله این قدر تزئینات پیچیده براش گذاشتن که نمی شه بهش دست بزنی. ارزشش رو نداره. بذارین شب

تا جایی که دیگه خودشون خسته برن! بوق بوق از ملزومات اصلی این مراسم و بدون اون عروس کشون ممکن نیست. از طرفی، نصف شب و مردم خوابیدن. ما که نمی توانیم بگیم نرین و بوق نزنین و نکنین، ولی حداقل مناطق مسکونی که مردم می خوان کله بذارن و بخوابن، نرین. مناطقی که

هفت صبح: رانجام داره طی یک

بانک مرزی چنان

آشلیک به قیمت طلا با حراج ربع سکه

صفحه ۶

دولت وقتی

پرسپولیس

رابه جای

بدهی اش

به تأمین

اجتماعی داد

گفت: هروقت

پول دستم آمد

دوباره خودم می آیم

می خرم

صفحه ۶

روزنامه جوان:

بازندگان انتخابات، در جلسه مجلس غیبت

کردند

سخت سرزندگان انتخابات طی

صفحه ۶

معاون محیط زیست:

خوردن یک تکه پلاستیک موجب مرگ پیروز شد

همچی بخورم، زود پوستش را درون سطل آشغال می اندازم

صفحه ۶

وزیر آموزش و پرورش:

تولید درشش ماهگی و

کشور باشکوه می شود اگر دیپلم در پانزده سالگی

ولیسانس در هجده سالگی اخذ شود

وسن باز نشستگی ۲۰ سال شود

صفحه ۶

هرجا کسری بودجه

پیش آید، نام

جیب مردم با مالیات

خاله می شود

می درفش

خند مردم

فرارو:

رکورد بی سابقه

در بازار پوشاک

در چهل سال

اخیر

صفحه ۶



هرجا...

هرجا کسری بودجه داریم، بحث گرفتن مالیات از مردم پیش می آید
هرجا بحران گردشگری داریم، بحث صادق بوقی پیش می آید
هرجا مشکل خودرو سازی داریم، بحث کارگران خودرو سازی پیش می آید
هرجا هر نوع درد و مرضی داریم، بحث چای نبات پیش می آید
هرجا باغ وحش داریم، بحث تلف شدن حیوانات پیش می آید
هرجا عید و سال نو داریم، بحث گرانی خوراک و پوشاک پیش می آید
هرجا شکست در ورود به مجلس داریم، بحث آمدن، نبودن، برگشتن پیش می آید
هرجا تصاویر سیستان و بلوچستان داریم، بحث شرمندگی مسئولان پیش می آید
هرجا انتخابات هیئت فوتبال داریم، بحث کاندیداهای همیشگی پیش می آید
هرجا صحبت از گران نشدن چیزی داریم، بحث گران شدن آن چیز پیش می آید
هرجا مصوبه اقتصادی جدید داریم، بحث اجازه کارت ملی پیش می آید

در حاشیه حواشی بی پایان این روزهای باغ وحش مشهد و مرگ یک
قلاده ببر به علت گیر کردن غذا در گلویش

حیوانات درنده در حیات وحش

حیوانی پنج برابر وزن
خودم رو شکار می کنم

من حیوان رو
با استخوانش
می خورم

شکارم رو می برم روی
درخت و می خورمش

من روزی سه تا حیوان
شکار می کنم



حیوانات درنده باغ وحش مشهد

گوشتش مهر
دام پزشکی داره؟

به من فقط باید
گوشت بخاریز بدن

چربی گوشتش زیاده، من
بخورم، می میرم

وای گوشتش استخوان
داره، من بخورم، می میرم



صفحه ۶
۱۹ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۹۹

ای بابا، سگ داشتن سخت شده ها.
من خودم واسه عید یه پیرهن
مردونه دیدم، از دم قسط با چک
کارمندی می دن برای شب عید.
ضامن، گواهی کسراز حقوق، سفته،
چک ضمانت، یعنی هیچی ها،
هیچی هم نمی خواد. با سه چار تا
برگ چک قشنگ شب عیدی
شیکان بیکان می کنی. خدا پدر
و مادر مسئول رو بیامرزه این قدر
هوای ما کارمندا رودارن. حلاتون.



کارمند

تو بیا روب دو شامبر
خوابت رو تفی نکنی
لیسو! بعد م به
پشتم که پشتم رو از
من تولید کننده، درب
طوبله کیلویی پنجاه
هم نمی خرن، بعد
همون رو به ۸ میلیون
زارت می کنن توی پاچه
توی پدرسگ.



گوسفند

هزینه های عجیبی که برای سگ ها می شود: لباس با
پشم گوسفند ۸ میلیون، کت و شلوار ۴ میلیون، لباس خواب
سگ ضد لیسیدن ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان! (خبر فوری)



ها؟ چیه گوسفند؟ حسودی ت می شه خودت رو
گشتی با ۱۵۰ درصد تورم هنوز که هنوز یه هودی
تن من می ارزه به یه رن بره نرینه ت؟ تا دُم به ت
سوخته، می بینی ما آینده شکوهمندتری داریم!
پیف پیف بوی جزغاله می آد!



سگ



صفحه ۷
۱۹ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۹۹

زندگی یخچالی (قسمت آخر)

آنچه گذشت: از یخچال مثل ربات آمدم بیرون تا پیرمرد خارجی، یخچالی را که فکر می کرد سخنگو و مشکوک به غنی سازی اورانیوم است، نفرستد آژانس بین المللی انرژی اتمی. به سبک ربات ها مذاکرات را ادامه دادم تا شاید بتوانم گره برجام را بازکنم. گفتم: «من یک پیشنهاد داشت. شما جلو ورود دلارها را به کشور نگرفت. من هم به شما روش تولید انرژی هسته ای از یخچال را یاد داد. پیرمرد سیاست مدار خارجی باخوش حالی گفت: «قبول!» گفتم: «قسم خورد؟» دستش را برد بالا و گفت: «به ابراهام لینکلن قسم!» گفتم: «نون آخرش را نگفت!» زیر لب گفتم: «عجب ربات گیری! این را باید می فرستادند متن برجام را بررسی کرد!» و ادامه داد: «باشد، به خود لینکلن ننش قسم!» گفتم: «خب، پس رفت داخل یخچال تا از نزدیک دید.» و رفت داخل یخچال و گفت: «خب که چی؟» گفتم: «الان در بازاست و چراغ روشن است. فناوری انرژی هسته ای ما چراغ یخچال را با در بسته هم روشن نگه داشت!» گفت: «خب در را بست تادید.» من هم در را بستم و قفل کردم! گفت: «این که روشن نماند!» گفتم: «چون ما با نظارت آژانس، غنی سازی را تعلیق کرد!» داد زد: «ای ربات لعنتی... کمک... کمک» از نقش ربات خارج شدم و درجه یخچال را بردم بالا و گفتم: «حالا وقت اعترافات لحظه آخری است. پسر! جلو پدرت اعتراف کن تا گناهانت بریزد!» گفت: «چی



(پایان)

محمدباقر نوبخت پس از شکست در انتخابات رشت:
آدمم، نیامدید، برگشتم!

(همشهری آنلاین)

پیروز:
**در طبیعت
پلاستیک
ریختید،
خوردم، مُردم!**



محمدرضا باهنر:
**من هم آدمم،
اندکی به درصد
مشارکت
افزودم، رفتم!**



افشین داوری، سرپرست
فدراسیون دوومیدانی:
**ایمیل آمد،
ندیدیم، عهوا
مهرلتش تموم
شده که!**



عباس علی آبادی، وزیر
صمت:
**گوشت بود،
نخریدید، دوباره
گران شد!**



حبیب لیسانسه ها:
**حالا کی ضرر
می کنه؟ من
یاشما!**



سفر سیاحتی

چند سال پیش قرار بودش، با چندتایی از رفقا یک سفر سیاحتی برم، کجا؟ آنتالیا! رفته بودم تا بیگیرم، از به آژانس خوب بلیط اما شنیدم اوضاع ترکیه هست حسابی خیط نشد خلاصه که برم کنسرت عینکیه عیب ندره، وزیر ما گفته خودش اینجه بیه! اما از آنجا که اگه خدا ببندد یک دری پشت سرش و ا مکنه یک در سبز دیگری دیدم با خوشحالی پرید از روی صندلیش تقی گفت رسیده تو خبرا، یک خبر مؤثقی اینجه نوشته هر کسی همسر روسی بیگیره یعنی بره به روسیه، اونجا عروسی بیگیره... بهش اقامت و حقوق، مدن به همراه زنه ازای به بعد هم حسابی نونش دیگه تو روغنه به جای ایکه انقدر فکر کجا و کی کنیم "خانوم سریع تو سیستم، برای هشت فوریه چار تا بلیط رزرو کن، همه برم به روسیه" دو هفته بعد چار تا جیون، با چار تا کیف دیپلمات سوار یک بوئینگ بودن، تیپ زده و با کراوات! یک دو سه ساعتی گذشت تا که به مقصد رسیدم تا که به مقصد رسیدم، خیلی چیزار فهمیدم اولیش ایکه فهمیدم قطب شمال گرمه هواش! هرکی که با پالتو بیه، مثل ما در میه باباش! دومیش ایکه فهمیدم، توی بلاد روسیه مرداشا دشداشه درن، زن ها چادر با پوشیه! سومیش ایکه هر طرف، هر جا نگاهت مبری نوشته اغلب عربی، جای زیون مادری! توی همی فکر و خیال بودم که یکهو بی هوا نشگی سفر پرید از سرمان بایک صدا! غلام که خیس کرد خودش! جلال غشید به یک طرف! تقی که از ترس جونش یک قدم هم جلو نرف! وقتی به خورده حالمان خوب شد و تازه جا آمد بعد به چند دقیقه که ویندوز مان بالا آمد... پرسیدم از یکی بیه، این صدا مربوط به چیه؟ جواب داد این انفجارا، تو سوریه طبیعیه! باقیشه لازمه بگم یا ایکه کافیه دگه؟ بعله! به جای روسیه رفته بودم به سوریه! افتاده بودم توی تور، به جای تورگردشی! خسته و گیج و مات و منگ، بین یک عده داعشی! خلاصا که رفته بودم، یار بابا کرم بشم قسمتمان بود این جوری، که زائر حرم بشم!

چطور در چهارشنبه سوزی نمیریم؟

هنوز چارشنبه سوزی نیومده، چند تا تلفات توی کشور داشتیم، مگه جنگه؟ به کم رعایت کنین که کمتر بسوزین! چطوری؟ این طوری:



شوخی

الهی! ما فقط از تو توقع داریم که در این شب عیدی، مقداری بازار را کنترل کنی. چون آن ها که کنترل در دستشان است، گفته اند نمی توانند.

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
ساحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سر دبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارزنگ حانمی
دبیر پلخمون: مجتبی نضعی راد
پیمانه: ۳۰۰۷۲۸۹

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir